

نگاه

یک سریال جاسوسی با فیلم‌نامه‌ای بسیار معمولی «کبوتران سیاه» در بریتانیا چه کسانی هستند؟

فرزانه متین؛ سریال کبوتران سیاه (Black Doves) محصول بریتانیا در اواخر سال میلادی گذشته از شبکه نتفلیکس در شش اپیزود پخش شد و با رضایت مخاطبان، بالافاصله این شبکه با ارائه یک تیزر، خبر ساخت فصل دوم آن را تأیید کرد. این سریال در ژانر جاسوسی و کمدی توانست یک تریلر متفاوت را به نمایش بگذارد. کبوتران سیاه نام یک تشکیلات جاسوسی در انگلیس است که اطلاعات و اسناد محرمانه را با بالاترین نرخ به سازمان‌های دیگر می‌فروشد. با این حال در هیچ کجای این مجموعه تلویزیونی اشاره‌ای به اساس و پایه این تشکیلات نشده است؛ اینکه سازمان خصوصی است یا بین‌المللی یا دولتی؟ جاسوسان بر چه معیارهایی در این سازمان پذیرفته می‌شوند؟ و از همه عجیب‌تر با وجود سازمان اطلاعات جاسوسی قوی بریتانیا، چه نیازی به وجود چنین سازمان‌هایی هست؟ آیا از این تشکیلات فقط یک مورد وجود دارد یا اینکه فعالیت سازمان‌ها گسترده و تعدادشان زیادتر است؟

آنچه این سریال را برای مخاطبان به‌عنوان تجربه‌ای لذت‌بخش درآورد، روراست‌بودن با مخاطب، فقدان پیچیدگی و نقش‌آفرینی ستاره‌هایی مانند کیرا نایتلی، بن ویشاو، سارا لانکاشایر، اندرو بوچن و کاترین هانتز است. جوایزتون که این تریلر جاسوسی بریتانیایی را خلق کرده، معتقد است فیلم‌نامه را بی‌برنامه و محض سرگرمی نوشته است. از این‌رو داستان فصل اول کبوتران سیاه فاقد جزئیات است، چندان خوش‌ساخت نیست و آنچه به سریال جان می‌دهد، هنرنمایی بازیگرانش است. همچنین ترکیب چند ژانر اکشن، رمانتیک، کمدی، تریلر و جاسوسی باعث شده که سریال متمایز از سایر سریال‌های فاخر جاسوسی باشد.

داستان سریال درباره هلن وب با بازی کیرا نایتلی، یک جاسوس حرفه‌ای است که ۱۰ سال گذشته با عضویت در سازمان مخفی «کبوتران سیاه» به جمع‌آوری اطلاعات از شوهر سیاست‌مدارش، والاس وب، وزیر دفاع بریتانیا، گذرانده و حالا مادر دو فرزند است. اما با مرگ رموز جسیسون، دوست پنهانی هلن، او دیگر نمی‌تواند آرام بگیرد و درصدد گرفتن انتقام است ودر این میان هم‌زمان سفر چینی در انگلیس کشفته می‌شود و دخترش را می‌زدند. همکار قدیمی هلن، سم یانگ که به ازای پول آدم می‌کشد، در این مسیر همراه او می‌شود. همکاری یک جاسوس و قاتل حرفه‌ای منجر به کشف لایه‌های عمیق‌تر فساد می‌شود.

این سریال برخلاف دیگر مجموعه‌های جاسوسی تیره‌وتر نیست و مخاطب

از همان اپیزود اول با داستان آشنا می‌شود و پیچیدگی‌های لایه به لایه را ندارد.

روایت تک‌خطی نیست و فلش‌بک‌هایی به گذشته هلن و سم زده می‌شود که هر دو تازیک است. با اینکه سکانس‌های فلش‌بک در این شش قسمت بیش از اندازه

است، اما روند داستان را کند نمی‌کند و در برخی صحنه‌ها به بازگشایی گره‌های سریال کمک می‌کند و توالی ذهنی را به هم نمی‌ریزد.

از موارد دیگری که این سریال را ضعیف را برای تماشاگران دلنشین کرده، حال‌وهوای کریسمس در لندن با تم جاسوسی است. افشاکاری‌های سریال

پیش‌بینی‌پذیر است، با این حال در هر قسمت ما شاهد تعلیق هستیم. صحنه‌های اکشن از جاسوسی آن بیشتر است و در برخی اوقات اکشن در سریال

منجر به کمدی می‌شود. هلن و سم به‌عنوان دو همکار از پس کارهای خود به‌خوبی برمی‌آیند و می‌دانند چگونه کلیم خود را از آب بیرون بکشند. همچنین ردوبدل‌شدن دیالوگ بین آن دو جذاب است. مخاطب در کبوتران سیاه چندین بار

با رئیس هلن وب نیز سروکار دارد. خانم رید رموز که بارها بر این تأکید دارد که هلن، هویت خود را برای جسیسون آشکار کرده است یا نه، اما هلن همچنان دروغ می‌گوید. او از پرسیدن سخت جاسوسی‌اش خسته شده و برای جسیسون، هویتش

را آشکار کرده و این در حالی است که جیسون مأمور آم‌آی‌۵ بوده اما از بیان‌کردن هویت هلن برای سازمان‌های اطلاعاتی سر باز زده است. برای مخاطب، پیشینه خانم رید مهم است اما در این فصل به غیر از هشدارهایی که به هلن می‌دهد،

نمی‌توان از هویت گذشته‌اش باخبر شد. این سریال با یک فیلم‌نامه دم‌دستی و معمولی که سرشار از جاسوسی‌هایی است که از چشم مخاطبان دور نمی‌ماند، در

نمره ۷.۲ از سایت IMDb، منتقدان از شکفتن‌زده کرده است، به طوری که این نمره گویا اغراق‌آمیز و دستکاری شده است. به هر حال همان‌طور که در بالا ذکر شد، آنچه سریال را تماشایی کرده، شخصیت‌پردازی قوی هلن و سم است. کیرا

نایتلی، جنبه‌ای از توانایی‌اش را در این سریال نشان داد که ببیند پیش از آن ندیده بود. او به شخصیت هلن جان داد و در مقابل ما با بازی شاهکار بن ویشاو در نقش سم رویه‌رو هستیم. او با اجرای خوب و فراموش‌نشدنی‌اش، از نایتلی جلو زد و وزن فیلر را بر دوش کشید. در نهایت بازی همه هنرپیشه‌ها تحسین‌برانگیز

است. از دیگر نقاط قوت سریال، موسیقی پس‌زمینه‌ای آن است که مارتین فیلیس آهنگ‌ساز سریال‌هایی مانند ییکی بلاندرز، تاج، آرزوهای بزرگ و جنگ و صلح، با این مجموعه همکاری کرده است. کبوتران سیاه شاید بالاخره توانست نتفلیکس

را از رختی که مدت‌ها در سریال‌های زبان انگلیسی در آن فروفته بود، بیرون بکشد و به روزهای اوجش بازگرداند اما در نهایت باید گفت اگر به دنبال تماشای

یک مجموعه جاسوسی مانند آمریکا‌های هوملند، کشتن ایبو، بلک لیست و… با داستان‌های درهم‌پیچیده، خیانت و گمراه‌کننده هستید، بهتر است کبوتران سیاه را تماشا نکنید. آن‌طور که پیداست، هر فصل این سریال دارای یک داستان است، از این‌رو در فصل دوم باید شاهد قصه‌ای جدید باشیم و امیدوارم فیلم‌نامه‌نویس، داستان را محض سرگرمی ننویسد.

در ابتدای نشست خبری روز گذشته خود، به برنامه‌های چهارگانه‌ای که به مجلس داده است اشاره کرد و گفت: «اصلاح بنیادی فرایند مجوزها انجام می‌شود و در این مسیر باید به تسهیلگری فکر کرد که امیدواریم تا پایان سال شرایط در بخش صدور مجوز بهتر باشد. مورد دوم شفاف‌سازی بود که در این دوره کمیته آن راه افاده و تاکنون ۲۰۰ سند بارگذاری شده و اگر تلاش کنیم پشت این دیوار شیشه‌ای قرار بگیریم، ایمن‌تر هستیم.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت چهاردهم در حوزه فناوری نوبن، گفت: «طرح استفاده از هوش مصنوعی در حوزه فرهنگ در حال انجام است. سند نظام محتوا و خدمات محتوا آماده شده و در حال ارائه آن هستیم. دولت الکترونیک به صورت جدی در حال تداوم است، اقداماتی صورت گرفته اما کار قابل توجهی داریم.»

صالحی بیان کرد: «دبیرخانه سامانه انتشار دسترسی به اطلاعات یکی از مهم‌ترین رویکردهای ما در حوزه مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی است که می‌بایست شرایطی فراهم شود تا برخی اطلاعات غیرمحرمانه نیز پیش‌روی مخاطبان قرار گیرد. ما در حوزه اقتصاد فرهنگ هم تلاش‌هایی را انجام دادیم که از دولت گذشته آغاز شد و ما هم در این دولت به‌شدت پیگیر آن هستیم. در این مسیر بحث توسعه شبکه نشرهای خلاق فرهنگ و هنر یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که می‌تواند در حوزه اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد؛ مسیری که در دولت دوازدهم آغاز شد و ما تصمیم داریم آن را در این فضا ادامه دهیم.» او ادامه داد: «نقشه فرهنگی استان‌ها در شورای عالی انقلاب تهیه شده بود و این نقشه فرهنگی را به‌جد دنبال می‌کنیم که نظام‌نامه و روش خاص خود را دارد که بتوانیم هویت ایرانی اسلامی را در جغرافیای کشورمان پیش ببریم.»

او در ادامه نشست در پاسخ به پرسشی درباره قانون حجاب و عفاف و راهبردهای وزارتخانه گفت: «این قانون با تأخیر در ابلاغ مواجه شده، یکی از پیشنهادها ارائه لایحه جایگزین است و به نظر می‌رسد معاونت حقوقی در این مسیر جایگزینی پیش می‌رود.»

صالحی در بخش دیگری از این نشست درباره طرح‌های پرحاشیه دولت قبل که هنوز در سایت وزارتخانه است و آیا قرار است آنها را دنبال کند؟ گفت: «ما در شرایط ویژه‌ای آدمیم ولی با وزارت فرهنگ آشنا بودم و این آشنایی پیشین سبب شد برآی من وضعیت متفاوت باشد. وزارت فرهنگ پس از شهادت آیت‌الله زینعی و بعد از انتخابات در حالت نیمه‌منتظر حضور داشت و در این مدت رویدادهایی که برگزار شده بی‌نقص نبوده اما تلاش شد قابل دفاع باشند. اما اینکه لفق‌های جدید را بخواهیم طرح بریزیم، به تثبیت احتیاج دارد و برای خظ‌زدن نباید عجله کنیم. اگر به نتیجه برسیم حتما اصلاح می‌کنیم.»



عکس‌غیررک معمولی‌آینستا

در نشست خبری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد

برای خط‌زدن نباید عجله کنیم

صالحی در پاسخ به این پرسش که چالش‌های بسیاری پیش‌روی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که عمده‌ترین آن ممنوع‌الکاری هنرمندان، چالش سینمایی زیرزمینی، بلاتکلیفی جشنواره مد و لباس و… است، گفت: «اگر بخواهیم چالش عمده در کل حاکمیت را بگوییم، چالش سرمایه اجتماعی داریم و کاهش اعتماد مردم به حکمرانان روشن است که در حوزه فرهنگ و هنر شتاب بیشتری پیدا کرد. عوامل مختلفی باعث گسست و گسل در سرمایه اجتماعی- فرهنگی هنر نسبت به نظام حکمرانی شده که قالب‌های مختلف دارد: از قهر و فاصله تا نفرت و اعتراض. این واقعیت اجتماعی خود ماست که باید آن

را بفهمیم و با برداشت درست با آن مواجه شویم. کل جامعه دچار اغتشاشات ذهنی و معرفتی است و در اصحاب فرهنگ و هنر مضاعف شد. اگر اعتماد ذی‌نفعان را نداشته باشید، کار درست اتفاق نمی‌افتد و موجب می‌شود کاری را که شروع می‌کنیم، از همان ابتدا از دیوار بی‌اعتمادی فرو می‌ریزد. این اهم چالش‌هاست و تلاش کردیم و کار سختی بود، زیرا اعتماد یک شبکه است و من در این راستا تلاش کردم. روزهای سختی پیش‌رو داریم. سعی داریم با توجه به موقعیت ایران و بحران‌هایی که ممکن است در پیش داشته باشیم، گردهم بیاییم

و از نزدیک با هم باشیم، حرف هم‌را بهتر بفهمیم و مهم‌ترین چالش این بوده است. تلاشم این بود که بر این موضوع متمرکز باشیم و همچنین تلاش کردیم بخش‌های دیگر نظام حکمرانی را متوجه این کنیم که جامعه ما قابل اعتماد و قابل احترام است و اعتماد از دست‌رفته‌تر را برگردانیم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به این پرسش که آیا سازوکار مشخصی برای بررسی کتاب در پیش دارند و اساسا دولت برای اصلاح قانون ممیزی کتاب چه برنامه‌ای دارد؟ گفت: «این دغدغه دسترسی است و بالاخره مؤلف برای تولید اثر وقت می‌گذارد. در دوره قبل، قدمی را برداشتیم که ناکافی است، نمی‌توانیم اثر را به چند نفر بدیم و انتظار داشته باشیم برداشت یکسان داشته باشند و حتما در فرایند بررسی اختلاف سلیقه پدید می‌آید.»

صالحی در پاسخ به این پرسش که در چند سال اخیر فیلم‌های کمدی فضای بیشتری از سینمای ایران را به خود اختصاص داده‌اند و ژانرهای دیگر به حاشیه رانده شده‌اند و نگاه او به این موضوع چیست؟ گفت: «این دغدغه بسیار قابل درک است. بالاخره سینمای ایران ویرتینی است که اگر بخواهد در قالب یک ژانر حتی بهترین کمدی‌ها هم نمایش داده شود. قطعا به افق‌های بی‌انجام و اصلا نباید مفتخر باشیم که چون فروش بالااست بنابراین باید به ژانرهای دیگر توجه نکنیم. بی‌تردید اگر سینمای کمدی درست ساخته شود، سینمای محترمی است اما برای بنده و همکارانم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دیگر ژانرهای سینمایی نیز بسیار جدی است. البته در مجموع باید گفت تعداد فیلم‌ها در حوزه سینمای اجتماعی مقداری داشته باشد.»

درباره اثر جدید «فرزانه کابلی»

از شروع ناگهان تا ناردونه‌ها

به همراه سولوی خود و چهار سولو باله مدرن را که روی تاره‌های علیرضا قربانی، همایون شجریان و… طراحی کرده، با لباس‌های فاخر مختص هر باله، به روی صحنه برده است.

اجراهای او به دلیل بک‌گراند بازیگری و صحنه‌گردانی‌اش، فراتر از اجرای آیین‌های نمایشی و حرکات موزون روی صحنه است. او در حد فاصلی که رقصندگان در یک‌استیج تالار مشغول تعویض لباس‌ها هستند، روی صحنه می‌آید و با طنز کلادی و همچنین ارائه توضیحات فنی درباره چرایی انتخاب هر موومان و فرهنگ هر منطقه که قصد معرفی با زبان بدن و زبان لباس دارد، صمیمی و خودمانی با بانوان گفت‌وگو و تماشاچیان را سرگرم می‌کند تا رقصندگان از راه برسند و رسالت او را روی صحنه با حرکات مدرن نمایشی که خاستگاه صد درصد ایرانی دارد، روایت کنند. حسن مطلع «ناردونه‌ها» با رقص کرمانی و لباس‌های الوان و زیبای زنان این سرزمین شروع می‌شود و بعد از چهار سولوی باله که کابلی روی ترانه «هم‌قص» اثر علیرضا قربانی «طرحی کرده، ادامه می‌یابد و بعد از معرفی رقص «روسری» از آبیانه، رقص «سنگسری» از سنگسرسمنان و رقص «کرمانچی» از خراسان شمالی، به سماع پرترفردار ایرانی می‌رسد که حسن ختام این اجرای چشم‌نوا، روح‌نواز و گوش‌نواز است. خوانش او در سماع «ناردونه‌ها»، خوانشی تلفیقی از سماع سیستان، کردستان، خراسان و دمام بوشهری‌هاست که در پوششی الوان از دامن‌های کلوش آینه‌کاری‌شده و لباس سماع سپید درآویش با حاشیه‌نگاری‌هایی از واژه «عشق» چنان عرفان و ملکوتی را با زبان بدن برای تماشاچیان روایت می‌کند که گویی تک‌تک از آسمان‌ها انتظار دارد، برای دقایقی زندگی تک‌تک ما داندلوم می‌شود و عرفانی زمینی را که کوبیده است‌ها و حرکت‌ها، حرکت‌ها، اسباعه از ملوکوت با قلب می‌کنیم. نورپردازی هنرمندانه صحنه نیز با خوانش بدن و خوانش لباس‌ها پازل را تکمیل می‌کند و در نهایت شاهد اثری زیبا و نجیب و هنرمندانه از زنی هستیم که خود، زندگی و اقتصادش را وقف هنر اصیل حرکات ایرانی کرده و ماندن در میهن را به رفتن و عوض‌شدن ترجیح داده است.

به گزارش خبرنگار «شرق»، نادره رضایی، معاونت هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به اتفاق همکاران خود، مهمان ویژه این اجرا بودند. کابلی روی صحنه حضور بانو رضایی را به فال نیک گرفت و ابراز امیدواری کرد حضور بانوان در بدنه اجرایی وزارت فرهنگ آثارگر کهای سازنده‌ای میان هنرمندان و مسئولان باشد و راه را برای فرادها هموار کند.

یادداشت

نقد ۷۰سی کمدی ناامیدکننده و نازل محمدرضا دلیر: فیلم سینمایی «۷۰سی»

که بر اساس طرحی از بهرام افشاری و به کارگردانی خود او ساخته شده، روایتگر زندگی سه خانواده از قشر ضعیف و آسیب‌پذیر است که در آستانه تحول مالی عظیمی قرار دارند. این سه خانواده سعی می‌کنند از فرصت پیش‌آمده، کمال بهره‌را ببرند و هر طور شده صاحب ۳۰ میلیارد پول نقد بشوند. فیلم، دغدغه قشر کم‌بضاعت و مشکلات آنها را دارد، اما به دلیل تجاری‌بودن فیلم‌نامه، به‌خوبی توانسته پیام خود را به مخاطب منتقل کند و صرفا فضایی خنده‌دار، به‌دور از شوخی‌های جنسی و ناهنجار را برای خانواده خلق کرده است. ۷۰سی فیلمی است که ببینده صرفا به حال موسیقی‌های مجلسی در آن شاد می‌شود. فیلم‌نامه ۷۰سی برگرفته از جایزه بزرگ مهران مدعی است که هیچ منطقی در فیلم‌نامه آن رعایت نشده است؛ چراکه کدام بانک است که جایزه ۳۰ میلیارد تومانی بدهد؟ و اینکه در فیلم قصه حسینی‌نیا و الهه حصارى چرا تمام شد؟ به نظر فیلم ۷۰سی نتیجه نوستالژی‌های دیداری بهرام افشاری است. قصه آن نغزنا شده و افشاری سعی دارد با استفاده از جنبه‌های کاریزماتیک خود و دیگر سربلریتی‌های فیلم، مردم را سرگرم کند. تناقضات در فیلم ۷۰سی تمامی ندارد و این پرسش مطرح می‌شود که چگونه کسی می‌تواند با فروختن الکیو و حلقه همسرش بتواند خرج بیمارستان، مراسم ازدواج و… را بدهد؟ فیلم‌نامه دچار ساختارگریز مغرط است؛ چراکه در سینمای ایران لودگی و خنداندن مخاطب به هر شیوه و هر قیمتی در اولویت فیلم‌سازان و فیلم‌نامه‌نویسان قرار دارد و ۷۰سی هم سعی دارد، از قافله عقب نماند.

در ۷۰سی، کارگردان تلاش کرده کمدی خانوادگی را روی پرده ببرد. این فیلم که با تکیه بر کمدی موفقیت‌که به تئاتر نزدیک‌تر است، تلاش می‌کند کمدی متفاوت‌تر از کمدی‌های هم‌سبک‌وسباق خود ارائه دهد.

این فیلم سعی کرده بنده فیلم‌های کمدی چند سال اخیر سینمای ایران را حفظ کند اما برای خنداندن تماشاگر دست به

استفاده از ادبیات و تصویرسازی غیراخلاقی زنده و تن به لودگی‌های بوج نداده است. از سوی دیگر، فیلم تلاش می‌کند خود را با کمدی روز جامعه که بیشتر در فضای مجازی خلاصه می‌شود، معرفی کند و از اتفاقات واقع‌گرایانه کمدی که شاید در روزمره زیستی آدم‌ها اتفاق می‌افتد، فاصله بگیرد؛ چیزی که سال‌هاست نه در ژانر کمدی، بلکه در باقی ژانرها هم شاهد آن هستیم. نکته آخر اینکه داستان و شیوه پرداخت موفقیت‌ها صحنه‌های کمدی را دچار پستی و بلندی‌هایی می‌کند که مخاطب را برای لحظاتی شاد می‌کند و بعد خیلی زود تمام می‌شود. با پیشروی فیلم، شخصیت‌ها عمق پیدا نمی‌کند و صرفا کاریکاتوری از وضعیت قشر پایین و متوسط جامعه ارائه می‌شود.

نوازنده سابق فیلارمونیک برلین رهبر جدید ارکستر پراگ شد

فرید پریش: تئاتر ملی چک سال جدید را با تغییرات قابل توجهی در کادر موسیقی خود آغاز کرده است. آندری بورکویچ، رهبر ارکستر این مجموعه، پس از دو سال‌ونیم فعالیت «به دلایل شخصی» از سمت خود کناره‌گیری کرده است. بورکویچ که اصالتی اوکراینی دارد، جای خود را به هرمان باومر، نوازنده باسابقه ترومبون ارکستر فیلارمونیک برلین و مدیر موسیقی پیشین شهر مانتس، سپرده است. باومر که در ماه جاری ۶۰ساله می‌شود، سابقه‌ای ۱۲ساله در مدیریت موسیقی دارد. او همچنین در سال ۲۰۰۷ با همراه با ارکستر آژناروبو به ایران سفر کرده و در تالار وحدت به اجرای موسیقی پرداخته است. در کنار این تغییر، زوزانا کادلچیکووا به عنوان سرپرست جدید گروه کُر تئاتر ملی منصوب شده است. او جایگزین آدولف ملیخار می‌شود که همچنان به عنوان سرپرست گروه کر در اپرای دولتی فعالیت خواهد کرد.

پر بویه هانس، هنرمند نروژی، مدیریت هنری ایرای تئاتر ملی را بر عهده دارد. این تغییرات که با عباراتی همچون «دلایل شخصی»، «ماندن در سمت‌های دیگر» توضیح داده شده‌اند، همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارند؛ موضوعی که به فضای خاص فرهنگی و سبک زندگی پراگ بی‌شابهت نیست.

خبر

حضور در جشنواره‌های خارجی خلاف قوانین نیست

مهر: منوچهر شاهسواری، دبیر جشنواره فیلم فجر، درباره حواشی و اتفاقات این جشنواره در «استودیو هشت» رادیو نمایش صحبت کرد و در ابتدا درباره اصلاح پوستر حاشیه‌ای این جشنواره گفت: فکر می‌کنم در روز اعلام اسامی فیلم‌های جشنواره، پوستر اصلاح‌شده به نمایش گذاشته شد. این‌گونه نبود که بخواهد عوض شود. بلکه بر سر جزئیات فنی و گرافیکی آن نکته‌ای وجود داشت و نقدهای دلسوزانه‌ای مطرح شده بود و با تأخیر اما در نهایت در مراسم اسامی فیلم‌های شرکت‌کننده که از تلویزیون پخش شد، آنچه دیدیم، نسخه اصلاح‌شده پوستر بود. او درباره اینکه فیلم «قاتل و وحشی» به صورت قطعی قرار است در جشنواره نمایش داده شود یا خیر، بیان کرد: هر جشنواره‌ای گمانه‌زنی‌های خود را دارد و دوستان در فضای رسانه‌ای گاهی اوقات علایق و کنجکاوی‌های خود را اعدام می‌کنند. به نظر من، باید کمی صبوری کنیم تا بتوانیم آنچه را که به نظر من اینه تمام‌نامی سینمایی ایران است، چه در نمایش‌های ویژه و چه در بخش مسابقه سینمایی ایران، عرضه کنیم.

شاهسواری درباره فیلم‌هایی که پیش از این در جشنواره‌های خارجی شرکت داشته و امسال در جشنواره فیلم فجر نیز پذیرفته شده‌اند، توضیح داد: جشنواره جهانی فیلم فجر خوشبختانه با اینکه دو سال است برگزار نشده، همچنان در رده جهانی الف قرار دارد. در آنجایی که من اطلاع دارم، جشنواره‌های رده الف ترجیح می‌دهند هر فیلمی که به آنها ارائه می‌شود، اولین نمایش خود را در آن جشنواره داشته باشد. اما این مسئله درباره برخی دیگر از جشنواره‌ها وجود ندارد. جشنواره فیلم فجر اساسا یک جشنواره ملی است و این قواعد به آن تعلق نمی‌گیرد.